



تاثیر آموزش خانواده بر بهبود روابط والدین و خودکارآمدی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان جویبار

فهیمه کاکولاریمی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تاثیر آموزش خانواده بر بهبود روابط والدین و خودکارآمدی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان جویبار، انجام شد. این پژوهش به روش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون و گروه های آزمایش و کنترل انجام شد. جامعه آماری، شامل کلیه دانش آموزان مقطع ابتدایی و مادران آن ها در آموزش و پرورش شهرستان جویبار در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود که به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای، تعداد ۳۰ نفر انتخاب شدند و با گمارش تصادفی در هر یک از گروه های آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. به افراد گروه آزمایش (مادران دانش آموزان منتخب) آموزش خانواده مطابق با کتاب خانواده و فرزندان در دوره ابتدایی تهیه شده توسط استادان طرح جامع آموزش خانواده به ویراستاری به پژوه (۱۳۸۹) طی ۱۰ جلسه و به مدت یک ماه ارائه شد. ابزار اندازه گیری در پیش آزمون و پس آزمون پرسشنامه های ارزیابی رابطه والد-فرزند فاین و اسپوویل (۱۹۸۳)، خودکارآمدی شرر و مادوکس (۱۹۸۲) بود. روایی توسط متخصصان تأیید شد و با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، پایایی پرسشنامه های رابطه والد-فرزند برابر ۰/۹۰، خودکارآمدی برابر ۰/۸۸ محاسبه شد. روش تجزیه و تحلیل داده ها استفاده از آزمون تحلیل کواریانس (ANCOVA) با استفاده از نرم افزار SPSS 23 بود. یافته ها نشان داد که آموزش خانواده بر بهبود رابطه ولی-فرزندی و خودکارآمدی تاثیر دارد.

واژگان کلیدی: آموزش خانواده، روابط والدین، خودکارآمدی دانش آموزان، مقطع ابتدایی

مقدمه

خانواده، نخستین نهاد در تاریخ فرهنگ و تمدن انسانی و اولین مدرسه ای است که انسان در آن تعلیم یافته و با اصول زندگی اجتماعی و روش تفاهم با دیگران آشنا می شود. از این رو، خانواده، به عنوان رکن اساسی تربیت، نقش بسیار مهمی در کمک به رشد و تربیت کودکان ایفا می کند. این امر به ویژه در نخستین سال های زندگی که تجربه های اولیه کودک در حال شکل گرفتن است، از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. به همین سبب، ایفای نقش پدر و مادر به عنوان عامل پرورشی در چارچوب خانواده شرط استقرار شخصیت سالم کودک خواهد بود (انصاری عزآبادی، ۱۳۹۴).

از یک سو، نقش والدین در زندگی فرزندان شان، چندگانه و دشوار است. آنان (به خصوص مادران)، بر اساس درکی که از نقش خود دارند، با مهارت، دانش، تجارب و انگیزه های شان می توانند تأثیری سازنده بر زندگی فرزندان داشته باشند و یا بر عکس، از این رو، عدم درک درست و مناسب از طرف والدین به بروز کشمکش بین فرزندان با والدین می انجامد (حکیم زاده و دیگران، ۱۳۹۳).

از دیگر سو، والد بودن در عین حالی که از مهم ترین وظایف افراد است، ولی یک مهارت ذاتی نبوده و بر عهده گرفتن آن، به حمایت و آموزش نیاز دارد. از این رو، پژوهش های متعددی نشان داده است که هر اندازه والدین داناتر و آگاه تر باشند، با مشکلات کمتری رو به رو می شوند. به همین سبب، خانواده هایی که نسبت به نقش ها، وظایف و مسئولیت های خود بیشتر آگاهی دارند، بهتر می توانند با فرزندان شان رابطه برقرار کنند و آنان را در این دوره حساس و پر انرژی به طریق مطلوب هدایت نمایند (به پژوه، ۱۳۹۴).

بسیاری از رفتارهای انسان با مکانیزم های نفوذ بر خود، برانگیخته و کنترل می شوند که یکی از مکانیزم های نفوذ بر خود، باور به خودکارآمدی شخصی، است. بر اساس نظریه شناخت اجتماعی بندورا، خودکارآمدی به باورها یا قضاوت های فرد در مورد توانایی های خود در انجام وظایف و مسئولیت ها اشاره دارد (بندورا، ۱۹۹۷). بنابراین، درک خودکارآمدی به عنوان عامل میانجی شناختی بر قضاوت از توانایی، تفکر، هیجان و عمل فرد اثر می گذارد. در واقع، خودکارآمدی ادراکی است که فرد تصور می کند می تواند به طور موفقیت آمیزی رفتارهای لازم را برای ایجاد یک پیامد مطلوب و خوشایند انجام دهد (ابوالقاسمی، بیگی و نریمانی، ۱۳۹۰).

بی شک، حق تعلیم و تربیت یکی از مهم ترین حقوق اساسی هر انسان است و فراهم آوردن امکانات آموزش و پرورش همگانی برای شکوفایی ابعاد معنوی و مادی انسان ها ضروری است. علاوه بر این، با امکانات آموزش و پرورش عمومی و مطلوب می توان منابع انسانی جامعه را توسعه و تکامل بخشید، سلامت و بهداشت افراد جامعه را تأمین نموده، فرهنگ جامعه را غنی ساخت، ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی را فراهم آورد و نیروی انسانی مورد نیاز رشد اقتصادی را پرورش داد (امیدی گرگانی، ۱۳۹۴). اما نظام آموزشی نیز مانند هر نهاد دیگری می تواند به علت کمبودها و کاستی ها و یا عوامل دیگری دچار سوء کارکرد شود، به طوری که نتواند بخشی از اهداف خود را به درستی به انجام رساند و سرمایه و مواد اولیه ای را که در اختیار آن قرار داده شده، تلف نماید و نتیجه مطلوب و مورد انتظار را به بار نیاورد. در این صورت است که می توانیم اصطلاح افت تحصیلی را به کار ببریم. هم اکنون افت تحصیلی در مدارس مراکز آموزشی به صورت کمی و کیفی وجود دارد. صورت کیفی افت تحصیلی به یادگیری ناقص و ضعف علمی و بینشی دانش آموخته نظام آموزشی اشاره دارد که قادر نیست انتظارات جامعه و سازمان های اجتماعی را از خود به عنوان یک فرد تحصیل کرده برآورده سازد. صورت کمی افت تحصیلی به صورت های اخراج، ترک تحصیلی و انصراف و مشروطی، جلوه گر می شود که این امر آثار و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای فرد و نظام آموزشی و جامعه در بر دارد (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۲). در همین راستا پژوهش های آذرنبوشان و همکاران (۱۳۹۴) پ تحت عنوان

اثربخشی آموزش خانواده بر مشکلات رفتاری دانش آموزان پسر در دوره ابتدایی نشان داد استفاده از آموزش خانواده موجب کاهش مشکلات رفتاری در دانش آموزان می شود. به طوری که می توان از آن به عنوان یک روش درمانی مؤثر برای کاهش مشکلات رفتاری در دانش آموزان دوره ابتدایی استفاده کرد. همچنین انصاری عزآبادی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان اهمیت خانواده و نقش تربیتی آن از دیدگاه اجتماعی به این نتیجه دست یافت که اختلال در تعلیم و تربیت فرزندان، زمانی پیش می آید که اولیاء نسبت به تربیت فرزندان و نیز ایجاد روابط سالم و سازنده برای فراهم کردن محیطی امن و آرام برای آنان، آگاهی کافی نداشته باشند، از این رو، برگزاری کلاس های آموزش خانواده منجر به تغییر رفتار والدین با فرزندان شده و سبب می شود فرزندان پیشرفت درسی بیشتری پیدا کنند.

نتایج پژوهش نبوی (۱۳۹۴) تحت عنوان بررسی نیازهای آموزشی اولیای دانش آموزان دوره متوسطه جهت آموزش خانواده نشان داد که از نظر اولیای دانش آموزان، مدیران و مدرسین دوره ها، محتوای آموزشی دوره های آموزش خانواده تا اندازه زیادی با نیازهای آموزشی اولیای دانش آموزان دوره متوسطه انطباق و هماهنگی دارد. با این حال، محتوای آموزشی دوره های آموزش خانواده، همه نیازهای آموزشی والدین را در بر نمی گرفت. این نیازها شامل آموزش مهارت های زندگی به فرزندان، مدیریت خانواده و روش های اداره آن، اعتیاد و آسیب های آن، خانواده متعادل و مشخصه های آن، بود. کلا و همکاران^۱ (۲۰۱۱) پژوهشی با عنوان بررسی تعارض بین فرزندان و والدین و مشکلات رفتاری آن ها، انجام دادند. یافته ها نشان داد بین تعارض والد-فرزند و مشکلات رفتاری فرزندان از جمله اختلال سلوک رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. دانست و هامبی^۲ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر ریسک خانواده جمعی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان آمریکایی، انجام دادند. یافته ها نشان داد که ۶۴ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی دانش آموزان توسط عوامل ریسک خانواده های جمعی اندازه گیری می شود. از این رو، اجرای موفق آموزش خانواده خارج از مدارس به بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان کمک می نماید. با این وصف، آشنایی خانواده با رسالت های تربیتی خویش از مطلوب ترین و ضروری ترین ارزش های بزرگسالان به شمار می آید. این اهمیت از آن جا ناشی می شود که نهاد خانواده، تأثیرات عمیقی بر ساختار شخصیتی کودکان، نوجوانان و جوانان بر جای می گذارد. از آن جا که تفاوت میان نظام ارزش های والدین و فرزندان منجر به پدیده ای به نام شکاف نسل ها گردیده است. به نظر می رسد مناسب ترین راه برای ترمیم بین شکاف بین نسل ها نزدیک نمودن تلقی ها و نظریات والدین و فرزندان نسبت به همدیگر باشد. بنابراین، آموزش های خانواده می تواند مناسب ترین راه برای ترمیم شکاف بین نسل ها و نزدیک تر نمودن نظریات والدین و فرزندان نسبت به یکدیگر باشد، بنابراین، تحکیم بنیان خانواده از اساسی ترین مشکلات جامعه بشری در جهان معاصر است که از طریق آموزش خانواده تضمین خواهد گردید (عزیزیان، ۱۳۹۴).

با عنایت به موارد مطرح شده، اگر والدین به اهمیت نقش خود در تربیت فرزندان، پی ببرند و شیوه های صحیح تربیتی را به خصوص از طریق آموزش های خانواده که زیر نظر آموزش و پرورش و با همکاری متخصصان و استادان مجرب و متعهد برگزار می شود، بیاموزند و از این شیوه ها به بهترین نحو در تربیت فرزندان خود بهره برداری نمایند، بسیاری از مشکلات خانواده ها به خصوص اختلالات رفتاری و عاطفی هرگز به وجود نخواهد آمد و یا در مراحل ابتدایی خود، کنترل می شوند. از همین رو، این پژوهش درصدد است به این سوال پاسخ دهد که آیا آموزش خانواده بر بهبود روابط والدین-فرزندان و خودکارآمدی دانش آموزان مقطع ابتدایی تأثیر دارد؟

¹ - Klahr, Mc Gue, Iacono & Burt

² - Dunst & Hamby

روش

روش این پژوهش، نیمه (شبه) آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری کلیه دانش آموزان مقطع ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان جویبار در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود. در این پژوهش تعداد ۳۰ نفر دانش آموزان به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای (با توجه به مدارس غیر انتفاعی، دولتی، شهری و روستایی)، انتخاب شد. به منظور ارزیابی رابطه والد-فرزند از پرسشنامه فاین و اسپووبل (۱۹۸۳) استفاده شد. این مقیاس ۲۴ گویه و دو فرم دارد، یکی برای سنجش رابطه فرزند با مادر و دیگری برای سنجش رابطه فرزند با پدر است. هر دو فرم برای پدر و مادر یک سان است، به جز کلمات «پدر» و «مادر» که قابل تغییر است، با این حال، در فرم های پدر و مادر عامل های مختلف با گویه های متفاوتی وجود دارد. این مقیاس توسط پرهیزگار (۱۳۸۱) ترجمه و اعتباریابی شده است. بر اساس گزارش وی، پایایی این مقیاس با ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس های مربوط به فرم پدر و نیز آلفای کرونباخ کلی ۰/۹۶، همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس های مربوط به فرم مادر و نیز آلفای کرونباخ کلی ۰/۹۶ همسانی درونی عالی دارد (عراقی، ۱۳۸۷). همچنین به منظور سنجش خود کارآمدی سالمندان مورد مطالعه در این پژوهش، از پرسشنامه خود کارآمدی شرر و مادوکس (۱۹۸۲) استفاده شد. این مقیاس دارای ۱۷ گویه است و سه خرده مقیاس میل به آغازگری رفتار، میل به گسترش تلاش برای کامل کردن تکلیف و متفاوت در رویارویی با موانع، را اندازه گیری می کند. نمره گذاری پرسشنامه خود کارآمدی بر اساس مقیاس اندازه گیری فاصله ای و طیف نگرش سنج لیکرت است که در آن به هر ماده از ۱ تا ۵ امتیاز تعلق می گیرد. در واقع، آزمودنی برای انتخاب گزینه کاملاً مخالفم، ۵ امتیاز؛ مخالفم، ۴ امتیاز؛ نظری ندارم، ۳ امتیاز؛ موافقم، ۲ امتیاز و کاملاً موافقم، ۱ امتیاز کسب می نماید، به طوری که به طوری که در پاسخ به سوال های ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۳ و ۱۵ نمره گذاری به صورت معکوس است. در واقع، آزمودنی برای انتخاب گزینه کاملاً مخالفم، ۱ امتیاز؛ مخالفم، ۲ امتیاز؛ نظری ندارم، ۳ امتیاز؛ موافقم، ۴ امتیاز و کاملاً موافقم، ۵ امتیاز کسب می نماید. بنابراین حداکثر نمره ای که فرد می تواند از این مقیاس به دست آورد نمره ۸۵ و حداقل نمره ۱۷ است. در صورتی که مجموع نمرات بر تعداد گویه ها تقسیم گردد، چه در حالت کلی (خود کارآمدی: ۱۷ گویه) و چه در محاسبه هر یک از زیر مقیاس ها (میل به آغازگری رفتار، میل به گسترش تلاش برای کامل کردن تکلیف و متفاوت در رویارویی با موانع)، دامنه تغییرات بین ۱ تا ۵ است. این مقیاس توسط اصغر نژاد، احمدی ده قطب الدینی، فرزاد و خدایانهی (۱۳۸۵) ترجمه و اعتباریابی شده است. آنان جهت بررسی روایی از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی استفاده نموده که نتایج بیانگر وجود سه عامل در این مقیاس بوده است، به طوری که این عوامل در مجموع ۴۳/۷۵ درصد از نمرات خود کارآمدی را به خود اختصاص دادند. در حقیقت، نتایج تحلیل عاملی، روایی سازه آزمون را تأیید کردند. محاسبه ضریب آلفای کرونباخ نیز نشان داد که میزان پایایی این پرسشنامه برابر ۰/۸۳ است.

به منظور آزمون فرضیه های پژوهش و تعمیم اطلاعات حاصل از نمونه به جامعه آماری از آزمون تحلیل کوواریانس (ANCOVA) استفاده شد.

آزمون K-S: بررسی نرمال بودن متغیرها

جدول ۱: آزمون K-S جهت بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش

گروه آزمایش			گروه کنترل			آزمون ها	متغیرها
Sig.	K-S	n	Sig.	K-S	n		
۰/۲۰۰	۰/۱۱۹	۱۵	۰/۱۲۴	۰/۱۹۶	۱۵	پیش آزمون	رابطه ولی (مادر) - فرزندی
۰/۲۰۰	۰/۱۷۷	۱۵	۰/۲۰۰	۰/۱۴۰	۱۵	پس آزمون	
۰/۲۰۰	۰/۱۵۳	۱۵	۰/۲۰۰	۰/۱۵۲	۱۵	پیش آزمون	خودکارآمدی
۰/۲۰۰	۰/۱۶۸	۱۵	۰/۲۰۰	۰/۱۷۲	۱۵	پس آزمون	

جهت مشخص شدن نرمال بودن متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش در مراحل پیش آزمون و پس آزمون، از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف، استفاده شد، چرا که از پیش شرط های اساسی، جهت بکارگیری آزمون تحلیل کوواریانس، نرمال بودن متغیرها است. بر این اساس، نتایج بررسی داده ها در جدول ۱، نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$)، متغیرهای رابطه ولی (مادر) - فرزندی و خودکارآمدی در پیش آزمون و پس آزمون و در گروه های آزمایش و کنترل از یک توزیع نرمال برخوردار هستند، چرا که مقدار سطح معناداری (Sig.)، از مقدار $\alpha=0/05$ ، بزرگتر است. بنابراین، یکی از شروط استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس برقرار است، زیرا، متغیرها از توزیع نرمال برخوردار هستند.

۲: بررسی همگنی واریانس ها در متغیرها

جدول ۲: آزمون لون؛ برابری واریانس ها در متغیرهای پژوهش

Levene's Test			
متغیرها	گروه ها	تعداد	آماره F سطح معناداری
رابطه ولی (مادر) - فرزندی	کنترل	۱۵	۰/۱۱۶
	آزمایش	۱۵	
خودکارآمدی	کنترل	۱۵	۱/۲۴۳
	آزمایش	۱۵	

جهت مشخص شدن همگن بودن واریانس های (تساوی خطای واریانس) هر یک از متغیر های رابطه ولی (مادر) - فرزندی و خودکارآمدی در گروه های ۱۵ نفره آزمایش و کنترل، از آزمون لون (آزمون همگنی واریانس ها)، استفاده شد. چرا که یکی دیگر از پیش شرط های اساسی جهت بکارگیری آزمون تحلیل کوواریانس، همگن بودن واریانس متغیرها است. بر این اساس، نتایج بررسی داده ها در جدول ۲، نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$)، فرض همگنی واریانس گروه های آزمایش و کنترل مورد تایید داده ها است، چرا که مقدار به دست آمده برای سطح معناداری (Sig.)، از مقدار $\alpha=0/05$ ، بزرگتر است. لذا

برابری واریانس ها در گروه های مورد مطالعه نشان می دهد که آزمودنی ها به طور یکنواخت در دو گروه تقسیم شده اند و شرایط جهت استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس برقرار می باشد.

فرضیه ۱: آموزش خانواده بر بهبود رابطه ولی - فرزندی تاثیر دارد.

جدول ۳: آزمون ANCOVA؛ تاثیر آموزش خانواده بر رابطه ولی - فرزندی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
آزمون	۰/۲۰	۱	۰/۲۰	۲۳/۵۴	۰/۰۰۰
گروه	۶/۹۴	۱	۶/۹۴	۸۱۱/۸۶	۰/۰۰۰
خطا	۰/۲۳	۲۷	۰/۰۱	-	-
کل	۷/۳۷	۲۹	-	-	-

جهت آزمون آماری فرضیه ۱، یعنی بررسی تاثیر آموزش خانواده بر بهبود رابطه ولی - فرزندی در دانش آموزان مقطع ابتدایی، از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد. از یک سو، خلاصه نتایج بررسی داده ها نشان داد که پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0.05$)، بین میانگین نمرات آزمودنی ها در پیش آزمون و پس آزمون، اختلاف معناداری وجود دارد (سطر اول جدول ۳)، چرا که ($\text{Sig.} = 0.000 < \alpha = 0.05$). از دیگر سو، در بررسی سطر دوم جدول ۳، از آن جا که ($\text{Sig.} = 0.000 < \alpha = 0.05$)، مشخص می شود که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین میانگین نمرات آزمودنی ها در گروه های کنترل و آزمایش نیز اختلاف معناداری وجود دارد لذا از آن جا که آزمودنی ها به طور یکنواخت در گروه های کنترل و آزمایش تقسیم شده بودند، اختلاف به وجود آمده نتیجه تاثیر آموزش خانواده برای مادران آزمودنی های گروه آزمایش بوده است. بر این اساس، آموزش خانواده بر رابطه ولی (مادر) - فرزندی تاثیر داد و آن را بهبود می بخشد.

فرضیه ۲: آموزش خانواده بر بهبود خودکارآمدی دانش آموزان تاثیر دارد.

جدول ۴: آزمون ANCOVA؛ تاثیر آموزش خانواده بر خودکارآمدی دانش آموزان

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
آزمون	۰/۳۶	۱	۰/۳۶	۲۰/۶۲	۰/۰۰۰
گروه	۵/۸۶	۱	۵/۸۶	۳۳۸/۹۴	۰/۰۰۰
خطا	۰/۴۷	۲۷	۰/۰۲	-	-
کل	۶/۶۹	۲۹	-	-	-

جهت آزمون آماری فرضیه ۲، یعنی بررسی تاثیر آموزش خانواده بر بهبود خودکارآمدی دانش آموزان مقطع ابتدایی، از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد. از یک سو، نتایج نشان داد که پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0.05$)، بین میانگین نمرات آزمودنی ها در پیش آزمون و پس آزمون، اختلاف معناداری وجود دارد (سطر اول جدول ۴)، چرا که ($\text{Sig.} = 0.000 < \alpha = 0.05$). از دیگر سو، در بررسی سطر دوم جدول ۴، از آن جا که ($\text{Sig.} = 0.000 < \alpha = 0.05$)، مشخص می شود که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین میانگین نمرات آزمودنی ها در گروه های کنترل و آزمایش نیز اختلاف معناداری وجود دارد، لذا از آن جا که آزمودنی ها به طور یکنواخت در گروه های کنترل و آزمایش تقسیم شده بودند (۲)، اختلاف به وجود آمده نتیجه تاثیر آموزش خانواده برای آزمودنی های گروه آزمایش بوده است. بر این اساس، آموزش خانواده بر خود کارآمدی تاثیر داد و آن را بهبود می بخشد.

بحث و نتیجه گیری

در بررسی فرضیه ۱، مشخص شد که اجرای برنامه آموزش خانواده برای مادران دانش آموزان ابتدایی در بهبود رابطه ولی (مادر)-فرزند در دانش آموزان تاثیر داشته است. چرا که بررسی رابطه ولی (مادر)-فرزند در آزمودنی ها در هر یک از مراحل پیش آزمون و پس آزمون و در گروه های کنترل و آزمایش با توجه به توزیع آزمودنی ها به طور یکنواخت در گروه های کنترل و آزمایش، نشان داد میانگین رابطه ولی (مادر)-فرزند در پس آزمون و در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل افزایش قابل ملاحظه ای یافته است که قطعاً اختلاف به وجود آمده نتیجه تاثیر شرکت مادران عضو گروه آزمایش در کلاس های آموزش خانواده بوده است. یعنی، آموزش خانواده توانسته است میزان رابطه مادر-فرزند را بهبود بخشد. نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهش های آذرنيوشان و ديگران (۱۳۹۴)، انصاری عزآبادی (۱۳۹۴)، نبوی (۱۳۹۴)، سلیمانی و تونده جانی (۱۳۹۴) و زادعلی فراش و چنایی (۱۳۹۳) در داخل کشور و نتایج پژوهش های دانست و هامبی (۲۰۱۶)، کیمارو و ماچومو (۲۰۱۵)، ایلا و دیگران (۲۰۱۵)، اسپنل و دیگران (۲۰۱۵)، ایشتو (۲۰۱۵) و کومار و لال (۲۰۱۴) در خارج از کشور همسو است. بنابراین، شرکت والدین و به خصوص مادران در کلاس های آموزش خانواده و آگاهی از آخرین شیوه های تربیتی، گامی در جهت تقویت رابطه والدین با فرزندان است. با این حال، نیاز به بررسی های بیشتر در این زمینه در خصوص سایر مقاطع تحصیلی با انجام مطالعات گسترده تر ضروری است.

در بررسی فرضیه ۲، مشخص شد که اجرای برنامه آموزش خانواده برای مادران دانش آموزان ابتدایی در بهبود خودکارآمدی دانش آموزان تاثیر دارد. چرا که بررسی میزان خودکارآمدی دانش آموزان در هر یک از مراحل پیش آزمون و پس آزمون و در گروه های کنترل و آزمایش با توجه به توزیع آزمودنی ها به طور یکنواخت در گروه های کنترل و آزمایش، نشان داد بعد از اجرای آموزش خانواده برای مادران، میانگین این متغیر در پس آزمون و در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل افزایش قابل ملاحظه ای یافته است که قطعاً اختلاف به وجود آمده نتیجه تاثیر شرکت مادران عضو گروه آزمایش در کلاس های آموزش خانواده بوده است. یعنی، آموزش خانواده توانسته است میزان خودکارآمدی را بهبود بخشد. نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهش های آذرنيوشان و ديگران (۱۳۹۴)، انصاری عزآبادی (۱۳۹۴)، نبوی (۱۳۹۴)، امیدي گرگري (۱۳۹۴) و زادعلی فراش و چنایی (۱۳۹۳) در داخل کشور و نتایج پژوهش های دانست و هامبی (۲۰۱۶)، کیمارو و ماچومو (۲۰۱۵)، ایلا و دیگران (۲۰۱۵)، آوان و کاوثر (۲۰۱۵)، اسپنل و دیگران (۲۰۱۵)، ایشتو (۲۰۱۵) و کومار و لال (۲۰۱۴) در خارج از کشور همسو است. بنابراین، شرکت والدین و به خصوص مادران در کلاس های آموزش خانواده در خودکارآمدی دانش آموزان تاثیر دارد. با این حال، نیاز به بررسی های بیشتر در این زمینه در سایر مقاطع تحصیلی با انجام مطالعات گسترده تر ضروری است. با توجه به تایید کلیه فرضیه های پژوهش، به دست اندرکاران آموزش و پرورش، خانواده ها و والدین محترم، مدیران و معلمان مقاطع مختلف تحصیلی پیشنهاد می گردد: از طریق کلاس های آموزش خانواده، آخرین الگوهای مناسب تربیتی و آموزشی در اختیار والدین دانش آموزان قرار گیرد. از این رو، مریبان مجری طرح در صورت نا آشنایی و یا ضعف دانشی، با مطالعه و پژوهش، آگاهی و دانش خود را در این خصوص افزایش دهند. همچنین جهت افزایش هر چه بیشتر علاقه، انگیزه، اعتماد به نفس، خودکارآمدی در دانش آموزان از والدین آنان کمک گرفته شود. از این رو نیاز است که از آنان تقاضا شود در کلاس های آموزش خانواده شرکت نمایند تا روش های کارآمد تربیتی و آموزشی در اختیار شان قرار گیرد. با برگزاری آموزش خانواده و حضور هم زمان دانش آموزان و والدین در جلسات (در صورت امکان)، علاوه بر تقویت ارتباط والدین و نزدیک تر کردن آنان به یکدیگر از لحاظ عاطفی، در جهت علاقمندی دانش آموزان به تلاش برای کسب موفقیت بیشتر در زمینه های مختلف درسی، هنری، ورزشی و غیره، تلاش گردد.

منابع

- آذرنيوشان، بهزاد؛ مسيح پور، خديجه؛ يوسف زاده، فاطمه؛ زرعی حور، آذر (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش خانواده بر مشکلات رفتاری دانش آموزان پسر در دوره ابتدایی. *دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، ۱۵ خرداد، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راه کارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- ابوالقاسمی، عباس؛ بیگی، پروین؛ نریمانی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی اثر بخشی دو روش آموزشی شناختی- رفتاری و مهارت های تنظیم هیجان بر خودکارآمدی و سازگاری تحصیلی دانش آموزان دارای اضطراب امتحان. *فصل نامه روان شناسی تربیتی*، ۲۲ (۷) : ۲۱-۴۲.
- امیدی گرگری، غلامرضا (۱۳۹۴). ارزشیابی آموزش خانواده در مدارس از دیدگاه والدین دانش آموزان و معلمان، همایش بین المللی روان شناسی و فرهنگ زندگی، ۵ شهریور، استانبول، موسسه سفیران فرهنگی مبین.
- انصاری عزآبادی، مریم (۱۳۹۴). اهمیت خانواده و نقش تربیتی آن از دیدگاه اجتماعی. *دومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان شناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران*، ۴ مهر، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- به پژوه، احمد (۱۳۹۴). *خانواده و کودکان با نیازهای ویژه*. تهران: نشر آوای نور.
- حکیم زاده، رضوان؛ میرزا بیگی، محمد علی؛ رسولی سقایی، مقصود (۱۳۹۳). نیازسنجی آموزشی برنامه های آموزش خانواده برای اولیاء دانش آموزان ناحیه یک تبریز. *فصل نامه آموزش و ارزشیابی*، ۷ (۲۶) : ۷-۲۴.
- زادعلی فراش، یوسفعلی؛ چنانی، شهرام (۱۳۹۳). بررسی میزان اثربخشی برنامه های آموزش خانواده بر والدین دانش آموزان ابتدایی شهرستان دزفول. *نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان شناسی*، ۲۳ آذر، مردودشت، شرکت اندیشه سازان مبتکر جوان.
- سلیمانی، محمد ابراهیم؛ تونزنده جانی، حسن (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش های خانواده و مهارت های زندگی بر نگهداری بیماران روانی مزمن در خانواده. *دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در علوم انسانی*، ۲۲ خرداد، تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- عزیزیان، نسرین (۱۳۹۴). بررسی نقش خانواده و آموزش و پرورش در ایجاد پدیده شکاف نسل ها و ارائه راه کارهای حل آن. *دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، ۱۵ خرداد، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راه کارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- نبوی، سید صادق (۱۳۹۴). بررسی نیازهای آموزشی اولیای دانش آموزان دوره متوسطه جهت آموزش خانواده. *دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در علوم انسانی*، ۲۲ خرداد، تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- نوروزی، رضا علی؛ چراغیان رادی، امین؛ نصرتی هشی، کمال؛ عزیزی، سید محسن. (۱۳۹۲). تاثیر عوامل فردی، اجتماعی، خانوادگی و آموزشی بر افت تحصیلی دانشجویان. *فصل نامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۶ (۳) : ۱۸۷-۱۸۳.
- Dunst, C. J., Hamby, D. W. (2016). Effects of Cumulative Family Risk Factors on American Students' Academic Performance. *American Journal of Educational Research*, 4 (2) : 150-154.

- Ella, R. E., Odok, A. O., Ella, G. E. (2015). Influence of Family Size and Family Type on Academic Performance of Students in Government in Calabar Municipality, Cross River State, Nigeria. *International Journal of Humanities Social Sciences and Education (IJHSSE)*, 2 (11):108-114.
- Eshetu, A. A. (2015). Parental socio-economic status as a determinant factor of academic performance of students in regional examination: A case of Dessie town, Ethiopia. *African Educational Research Journal*, 3 (4): 221-229.
- Kimaro, A. R., Machumu, H. J. (2015). Impacts of parental involvement in school activities on academic achievement of primary school children. *International Journal of Education and Research*, 3 (8): 483-494.
- Klahr, A., McGue, M., Iacono, W., & Burt, S. A. (2011). The association between parent-child conflict and adolescent conduct problem over time. *Journal of Abnormal Psychology*, 120(1), 141-149.
- Kumar, R., Lal, R. (2014). Study of Academic Achievement in Relation to Family Environment among Adolescents. *The International Journal of Indian Psychology*, 2 (1): 146-155.
- Schnell, P., Fibbi, R., Crul, M., Montero-Sieburth, M. (2015). Family involvement and educational success of the children of immigrants in Europe, Comparative perspectives. *Comparative Migration Studies*, 3 (14): 1-17.